

یادداشت

قانون شکنی در وقت استراحت

واکاوی حقوقی حمله آمریکا به آسایشگاه سربازان

امیر احمد شیشہ گر

جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه، علی‌رغم ماهیت خشون و ویرانگر خود، هرگز در خلا حقوقی رخ نمی‌دهند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) اساساً با این فلسفه با‌گذاری شد تا حتی در اوج تشنه‌های درگیری، خطوط قرمزی برای انسانیت ترسیم کند. با این حال، در جریان تنش‌های نظامی اخیر در منطقه و حملات مکرر از سوی نیروهای آمریکایی با بارگذاری‌های ناشی از یک‌ای بنیادی در اصول حقوق جنگ بوده‌ایم؛ هدفمند به مقرها و آسایشگاه‌های سربازان در ساعاتی که در وضعیت غیرعملیاتی و استراحت کامل به سر می‌بردند. این اقدام، فراتر از یک رویارویی نظامی متعارف، حامل جنبه‌های حقوقی بسیار عمیقی است که مسئولیت بین‌المللی مستقیمی را متوجه واشینگتن می‌کند. نوشتار حاضر تلاش دارد این واقع‌ها را از حاکم «حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، کنوانسیون‌های ژنو» و دکترین‌های جایگزین بر حقوق جنگ مورد کالبدشکافی قرار دهد.

۱- تلاقی دکترین «ضرورت نظامی» و «اصل تفکیک» در حقوق جنگ

یکی از توجهات مستثنی‌الاجتهاد در این حملات، استنباط وصف نظامی، به بیان دیگر، پرسش‌هایی است که در مورد ماهیت و اهداف حملات و در مورد شیوه‌های عملیاتی آنها مطرح می‌شود؛ اما این قاعده عام، مطلق و بی‌مقدور نیست. اصولاً این امر معلوم می‌گردد که «نظامی فعال در میدان» و «نظامی خارج از فاز عملیاتی» تمایز بین بشردوستانه‌ها بین «نظامی فعال در میدان» و «نظامی خارج از فاز عملیاتی» تمایز قابل افتراق است. طبق پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه (۱۹۴۷)، «ضرورت نظامی» (Military Necessity) هرگز مجوزی برای حملات گسترده‌کننده به «ضرورت تفکیک نیست.

اصل تفکیک (Principle of Distinction): این اصل که سنگ بنای حقوق بشردوستانه است، طرفین درگیری را ملزم می‌کند همواره بین رزمندگان و غیررزمندگان تفکیک قائل شوند. سربازانی که در آرایشگاه یا بهادری یک پایگاه در استراحت، خواب یا مداوا هستند، اگرچه رسماً صحت ساختار نظامی اند، اما در آن زمان، منشأ هیچ گونه تهدید فوری، ملموس و مستقیمی علیه نیروهای مهاجم نیستند. حمله به آنها میان هدف نظامی فعال و غیرفعال را مخدوش می‌کند.

مفهوم «Hors de Combat» (خارج از رزم، طبق ماده ۴۱ پروتکل اول الحاقی، هر فردی که به‌وضوح آمادگی یا توانایی دفاع از خود را نداشته باشد (مانند مجروحان، بیماران و کسانی که در تسلیم یا وضعیت‌های مشابه غیرجنگی هستند)، «خارج از رزم» محسوب می‌شود و هدف قراردادن مستقیم آنها ممنوع است، و با استراحت و آسیب‌های نظامی پشت‌سپه، مصداق بارز از ناتوانی موقت در انجام عملیات رزمی است و حمله به آنها نقض دکترین تناسب و ضرورت به شمار می‌رود.

۲- پرونده‌های مشابه در تاریخ؛ بدعت‌های قضائی و فرجام عاملان

تاریخ حقوق جسد‌نشان می‌دهد حمله به نیروهای خارج از رزم یا مراکز غیرعملیاتی همواره به عنوان جنایت جنگی مورد پیگرد قرار گرفته و فرار از مجازات در این زمینه مطلق نبوده است.

پیرونده دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ (۱۹۴۶)، یکی از قوی‌ترین مستندات تاریخی، محاکمه فرماندهان ارتش آلمان نازی (رواخمت) بود. دادگاه نورنبرگ اصل احرام را تحت یک کشتار یا حمله به سربازان دشمن که به دلیل جرات، بامبارداری یا قرار داشتن در بخش‌های غیرعمریاتی پشت جبهه قادر به رزم نبوده‌اند، مصداق جنایت جنگی است. در این دادگاه، فرماندهانی مانند ویلهلم کایتل به دلیل صدور دستوراتی که منجر به حذف فیزیکی سربازهای اسیر یا غیرعمریاتی می‌شد، به بی‌مسئولیتی محکوم شدند.

سربازانی که در وضعیت غیر جنگی بودند رحم نکردند. علی‌رغم تلاش‌های اولیه پنتاگون برای پنهان‌کاری، افشاگری‌های رسانه‌ای منجر به تشکیل دادگاه نظامی شد.

ستوان ویلیام کالی، فرمانده میدانی عملیات، به جرم قتل افراد خارج از رزم به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شد. این پرونده بدعت حقوقی مهمی را مبنی بر مسئولیت یکفیزیفری انداده‌ی فرماندهان ارتش آمریکا در نبرد حقوق جنگ ثبت کرد. پرونده قضایی انداره‌ی کالی‌گیری بنی‌المللی برای یوکسولای سابق (ICTY)، در دهه ۱۹۹۰، این دادگاه در پرونده‌های متعددی (مانند محاکمه فرماندهان صرب از جمله راتکو ملادیک) تأکید کرد، حمله به آبسخت‌گاه‌ها، بیمارستان‌های صحرایی و پناهگاه‌های نیروهای نظامی که در غلظت‌های فعال نبوده‌اند، جابجایی جنگی محسوب می‌شود. دادگاه صراحتاً استدلال کرد که «وضعیتی خواب یا بستری بودن» نیروها، مصونیت حقوقی در برابر حملات غلظت‌گراانه ایجاد می‌کند.

٣- انتساب رفتار و مسئولیت بین المللی ایالات متحده

فراتر از حقوق جنایی جنگ، از منظر «حقوق مسئولیت دولتها» و بر اساس این روش، به منظور تعیین اینکه آیا دولت‌ها می‌توانند به عنوان مسئولین حقوق بین‌الملل در قبال حقوق بین‌الملل محسوب شوند، باید به این اقدامات مستقیم تعهدات حقوقی سنگینی را برای ساختار سیاسی و امنیتی ایجاد می‌کنند.

انتساب مستقیم رفتار به دولت (ماده ۴): طبق این ماده، تمام اقدامات نیروهای

استناد رسمی یک کشور (در اینجا اتریش آمریکا و فرانسه) مرکزی آن، مستلزم بودن هیچگونه قید و شرطی رفتار خود دولت ایالات متحده نسبت می‌شود. بنابراین، مسئولیت حقوقی این حمله متوجه کل حاکمیت آمریکا می‌شود. و قرار از مسئولیت با توجیه «اشتباه محاسباتی فرانسه میدانی» مسموم نیست. وقوع عمل متخلفانه بین المللی (ماده ۱۲)، از آنجا که این حمله با تعهدات بین المللی آمریکا در معاهدات حقوق بشری (کنوانسیون‌های زن و) و بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد (توسل به زور و نقض حاکمیت کشور ثالث) در صورت انجام حمله در عراق با سوریه، مغایرت دارد، طبق ماده ۱۲ یک «عمل متخلفانه بین المللی» (Internationally Wrongful Act) محقق شده است. بطلان استناد به دفاع مشروع با ضرورت (مواد ۲۱ و ۲۵)، ایالات متحده معمولاً این حالات را تحت عنوان «دفاع مشروع علیه بداندستان» یا «وضعیت ضرورت» توجیه می‌کند. اما طبق حقوق بین الملل پیشرفته و مواد ۲۱ و ۲۵ طرح مسئولیت، دفاع مشروع مستلزم وجود یک خطر شدید و قریب الوقوع است. حمله غافلگیرانه به نیروهای که در آسایشگاه خوابیدند و منشا هیچ تهدید فعلی نیستند، هرگز معیارهای سختگیرانه دفاع مشروع را احراز نمی‌کند و صرفاً یک «تجاوز نظامی تلافی‌جویانه و غیرقانونی» است.

حمله به آسایشگاه سربازان در جریان موشکباران‌های اخیر، فراتر از یک حادثه یا تکنیک نظامی، نمادی از فرسایش و استانداردهای دوگانه در اجرای قواعد حقوق جنگ است. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تبدیل‌کردن محل استراتژیک نیروهای خارج از رزم به بانک اهداف نظامی، یک عمل متخلفانه بین‌المللی تمام‌عیار و مصداق نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو است. هرچند توازن قوا در عرصه بین‌المللی مانع از اجرای بی‌طرفانه عدالت در بسیاری از پرونده‌های می‌شود، اما مستندسازی دقیق این تجاوزات بر اساس چارچوب‌های حقوقی مدرن و دکترین‌های اثبات‌شده حقوق جنگ، گام استراتژیک غیرقابل انکاری است. تبیین این اصول در مطبوعات و افکار عمومی نه تنها مشروعیت سیاسی رفتارهای آمریکا را به چالش می‌کشد، بلکه وزن حقوقی و اخلاقی جبهه مدافع حقوق بین‌الملل را در برابر ماجراجویی‌های فراقانونی تقویت می‌کند. اسناد حقوق جنگ ابزاری ارزنده‌اند تا هزینه قانون‌شکنی را در ترازوی افکار عمومی و تاریخ جهان برای متجاوزان سنگین‌تر کنند.

عبدالرحمن فتح‌الهی: آنچه در موج اخیر حملات آمریکا در شامگاه پنجشنبه و باعداد جمعه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، تغییر تدریجی ماهیت اهداف است. اگر در چهار دور حملات شبه‌ای گذشته ایالات متحده کشورمان، تمرکز عمدتاً بر مراکز نظامی و امنیتی بوده است، اکنون نشانه‌های این انتقال فشار به زیرساخت‌های حیاتی کشور شده‌ای می‌شود؛ زیرساخت‌هایی که نقش آنها صرفاً در حوزه حمل‌ونقل یا خدمات عمومی خلاصه نمی‌شود، بلکه بخشی از شرابان‌های اقتصادی، هستیکی و حتی پایداری اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهند. هدف فراگرفته، پل، مسیرهای مواصلاتی و برخی تأسیسات خدماتی، همین منظر قابل ارزیابی است؛ اقدامی که آثار آن فراتر از خسارت فیزیکی بوده و می‌تواند زنجیره تأمین، جابه‌جایی کالا و تاب‌آوری اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. شاید این مقطع، تهران بیش از آنکه درگیر محاسبه هزینه‌های وارده شده باشد، معطوف به مدیریت الزامات میدان و نحوه پاسخ به تحولات ایران است. با این حال، مسئله اصلی کشور صرفاً برآورد خسارت‌های امروز یا ارزیابی پدیده‌های یک رشته حملات پرارکند نیست؛ اهمیت واقعی در تشخیص مسیری نهفته است که این تحولات می‌تواند در روزها و هفته‌های آینده پدیدآید. آنچه اکنون بیش از هر چیز نیازمند توجه است، درک منطقی راهبردی تغییر الگوی درگیری و پیش‌بینی گام‌های بعدی طرف مقابل است؛ زیرا بر بسیاری از جنگ‌ها، برعکس بحران را رقم می‌زند. در حین خسارت‌های اولیه، بلکه روندی است که به تدریج قواعد، اهداف و دامنه رویارویی را درگیر می‌کند.

اگر هدف قرارداد از دادن زیرساخت‌های حیاتی به یک الگوی یادآور عملیاتی تبدیل نشود، پایداری آن به عرصه نظامی، موجودات خداید ماند و پایداری شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی، خدمتی و حتی پایداری اجتماعی که نیز درگیر خواهد کرد. در کنار این مسئله، نحوه انتخاب اهداف و شکل اجرای حرات، این احتمال را نیز برجسته می‌کند که تحریف مسیرهای مواصلاتی، بنادر و گره‌های ارتباطی صرفاً با هدف وارد آوردن فشار اقتصادی نباشد، بلکه به‌خوبی نیز با فرایند ایجاد شرایط عملیاتی برای سناریوهای پیچیده‌تری از جمله افزایش آزادی عمل در مناطق ساحلی به منظور حمله زمینی یا اشغال جزایر راهبردی ایرانی تلقی شود. قانع از اینکه چنین سناریویی تا چه اندازه محتمل باشد- امکان حکمرانی راهبردی آن است که همه فرضیه‌های اقتصادی با قوت، بدون افرار و بدون غفلت، مورد ارزیابی و قرار گیرند.

در مقابل، چگونگی پاسخ ایران نیز به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده تحولات آینده تبدیل شده است. در تصمیمی، خواه استمرار تمرکز بر اهداف فزاینده و خواه گسترش دامنه پاسخ به زیرساخت‌های طرف مقابل یا کشورهای میزبان نیروهای آمریکایی، می‌تواند پیامدهای متفاوتی بر روند ایران بگذارد. از این رو، مدیریت محاسبات راهبردی در چنین فضایی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند؛ زیرا هر اقدام واکنشی متقابل را در پی خواهد داشت و این خرجه می‌تواند سطح درگیری را به هر حلقه‌ای تازه وارد کند. هم‌زمان نباید واقعیت را نادیده گرفت که صرف خوشبین‌داری در برابر لروما به معنای کاهش فشارها نیست. تجربه روزهای اخیر نشان داده است معادلات میدانی، بیش از مواضع اعلامی مسیر تحولات را تعیین می‌کنند و هرگونه ارزیابی از آینده باید بر پایه واقعیت‌های صحنه، نه صرفاً بر مبنای تهدیدها، مهم‌ترین اظهارات سیاسی صورت گیرد. به همین دلیل، ضرورت امروز، حفظ نگاه واقع‌بینانه به روند جنگ و پرهیز از هرگونه برآورد خوش‌بینانه یا بدبینانه افراطی است. آنچه اکنون در برابر تصمیم‌گیران قرار دارد، فقط محدودیت به مدیریت یک رشته حلات متغیای نیست، بلکه مواجهه با روندی است که می‌تواند به‌تدریج قواعد درگیری را درگیرگون کند. اگر هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی به رویه پیاورد تبدیل شود، منطقی‌تر در حرلهای اقتصادی باشد که در آن مرز میان اهداف نظامی و اقتصادی میزبان از گذشته کمرنگ می‌شود و هزینه‌های جنگ برای همه بازیگران افزایش می‌یابد. از این منظر، آنچه بیش از هر چیز برای ایران سارده، حفظ ابتکار در تصمیم‌گیری، افزایش آمادگی برای نبردهای پیچیده‌تر و جلوگیری از غافلگیری در برابر تحولاتی است که ممکن است با سرعتی بی‌انتظار معادلات موجود را تغییر دهد.

حمله به پل‌ها و زیرساخت‌ها

شروع روز جدید حملات با بیانیه فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) بود که اعلام کرد ساعت ۲ بعد از ظهر روز پنجشنبه به وقت شرق آمریکا (۹:۳۰ به وقت ایران)، نیروهای آمریکایی برای پنجمین بار متوالی موج جدیدی از حملات علیه ایران را آغاز کردند تا قابلیت‌های نظامی ایران را بیش از پیش تضعیف کنند. سنتکام در این بیانیه با تکرار ادعای واهی خود افزوده است این حملات در حالی آغاز شده است که تجاوزهای مسلح ایران در روزهای اخیر در پاسخ به از سرگیری نیروهای نظامی در کشور، خنجر دایکده و تابستانت مرتبط با آمریکا در منطقه در افکار قرار داده است. در این دور از حملات، نقاطی در هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، سمنان، لرستان و خوزستان شاهد انفجارها و حملات هوایی بودند؛ حملاتی که به گفته مقام‌های استانی و دستگاه‌های امدادی کشور، منجر به علاوه بر خسارات به زیرساخت‌ها، تلفات و مجروحان نیز، امریکا گدازد. طبق اخبار واصله، مهم‌ترین محور حملات آمریکا در شامگاه پنجشنبه، استان هرمزگان بود. شدت حملات علاوه بر مناطق مختلف بندرعباس به شهرستان خمیر، قشم، سیریک و بندرلنگه نیز کشیده شد. یکی از مهم‌ترین حملات، در محله مسکونی تپه الهاکبر بندرعباس صورت گرفت که در نخستین دقیق با بمباران جمعه هدف مجروح برای گدازد و ساعتی بعد محله جدید به مجروحان ادامه یافت. در محله دوم، یک دکل مخابراتی

هدف قرار گرفت و برق بخشی از منطقه قطع شد. در ادامه دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از افزایش شمار مجروحان این حمله به هشت نفر خبر داد و آن‌طور که تسنیم اعلام کرده یک زن در این حمله جان خود را از دست داده است. همچنین کودک یک‌ساله این زن بر اثر اصابت ترکش به‌شدت مجروح شد و به دلیل شدت جراحات، دو دوست او را همراه خود به بیمارستان منتقل کردند. تسنیم بیشتر مصدومان بر اثر موج انفجار آسیب دیده‌اند.

در کنار مناطق مسکونی، زیرساخت‌های حمل و نقل نیز در کانون حملات قرار گرفتند. پلی‌گورستان در شهرستان بندر خمیر که مسیر ارتباطی بندرعباس به لارا تشکیل می‌دهد، هدف حملات قرار گرفت و در ادامه استنادی زیر هم‌رگان اعلام کرد علاوه بر این پلی پنج دیگر نیز در شهرستان خمیر مورد اصابت قرار گرفته‌اند؛ پلی کهو، پلی نیمه‌کارا و پلی لادن، کنار و در مسیر گورستان لارا-خمیر ایستاده‌اند. با اسبیدین این مسیرها، بندرعباس-خمیر-لار و همچنین محور کشار-گورستان نیز اطلاع ثانوی مسدود شد و مسئولان از مردم خواستند از مسیرهای جایگزین استفاده کنند. دانشگاه علوم پزشکی هم‌رگان نیز ششام شهیدای حمله به پلی‌های شهرستان خمیر را رفت رقم اعلام کرد. حملات آمریکا قطع به شبکه راه‌های ارتباطی محدود نماند و ایستگاه انقب راه‌آهن بندرعباس نیز هدف قرار گرفت که بر اثر آن دو نفر مصدوم شدند. وزارت نیرو نیز از واردشدن آسیب به خطوط انتقال برق بندرعباس و روستاهای اطراف خبر داد و اعلام انتقال بخشی از شبکه سراسری از طریق فی‌جی به مدار بازگشته‌است. در استان سمنان نیز دو پرتابه به محدوده فرودگاه سمنان اصابت کرد. استاندارد سمنان اعلام کرد این حادثه خسارت جانی نداشته و آسیب‌ها به بخش‌های جانبی فرودگاه محدود بوده است. در دیگر نقاط کشور نیز صاعدا انفجارها با حملات گرازش، دریاب و قوه رسمی ای حملات به اطراف انباشتر، بوشهر، سیریک، ویسان لرتان و اطراف شهر بستان خبر دادند. در قشقم نیز طی چند مرحله صاعدا انفجارهای متعدد شنیده شد و گزارش‌هایی از وقوع دست‌کم هشت تا ۱۰ انفجار منتشر شد. در مقابل انفجارهای متکرر شده دریاچه انفجار در چابهار و کنار از سوی منابع رسمی تکرار شد.

هم‌زمان گزارش‌هایی نیز درباره هدف قرارگرفتن دوباره برج مراقبت دریایی بندر چابهار و تخریب کامل آن منتشر شد. بر اساس این گزارش‌ها، این تأسیسات برای سومین بار، پس از دو حمله اخیر هدف قرار گرفته و در جریان حمله اخیر به طور کامل ویران شده است که این‌ها هم از خبر رسانی تأیید کرد، اما به گفته خبرگزاری دولت، حمله تازه آمریکا به برج مراقبت دریایی بندر چابهار تلفات جانی نداشت و به واسطه‌ها، تجهیزات و زیرساخت‌های عملیاتی بندر هم آسیب وارد نشد. می‌توان فی‌س‌آی از حادثه عملیاتی آزارهایی خسارت و آسیب‌های امنیتی را آغاز کردند و پیش‌بینی می‌شود پس از تأیید شرایط واقعی، فعالیت تخلیه بازرگاری کالا در بندر از سر گرفته شود. در ادامه حملات بغداد، جامعه آمریکایی‌ها، اختلاف‌هایی نیز در شبکه‌های ارتباطی و برق برخی مناطق گزارش شد. در لرستان، شرکت مخبرات از اختلال ارتباطات و خسارت‌های مالی و امنیتی خبر داد و در جزیره گیشی به دنبال آسیب‌هایی از پیست‌های برق، برق بخشی از منطقه نونباد برای ساعاتی قطع شد که پس از انجام عملیات فنی، دوباره به مدار بازگشت. در همین حال، وزارت بهداشت اعلام کرد از زمان آغاز دور جدید حملات آمریکا در تیرماه تاکنون، ۳۸ هزار نفر خود را از دست داده و بیش از ۴۰۰ نفر مجروح شده‌اند. بر اساس اعلام این وزارت‌خانه، در میان قربانیان زنان و کودکان نیز حضور دارند.

هم‌زمان با ادامه درگیری‌ها، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنانی مدعی شد ایالات متحده در ایران «به دستاوردهای بزرگی» رسیده است. او با اشاره به توان نظامی آمریکا گفت این کشور از قدرتمندترین ایران‌ها جهان برخوردار است و نتیجه عملیات نظامی ایران «به‌زودی» آشکار خواهد شد. با این حال، رسانه آمریکایی‌سی‌ان‌ان گزارش داد ترامپ در سخنرانی شامگاه پنجشنبه به وقت آمریکا فقط اشاره‌ای کوتاه به جنگ با ایران داشت و جزئیاتی درباره راهبرد آینده واشینگتن ارائه نکرد. این شبکه همچنین گزارش داد دولت آمریکا در حال بررسی گزینه‌های گسترش عملیات نظامی علیه ایران است.

از سوی دیگر، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد نیروهای تفنگدار دریایی این کشور عملیات بازرسی-تفتیش «دتی نو یانو» را در خلیج عمان انجام داده‌اند. سنتکام مدعی شد این کشتی در چارچوب اجلاس محاصره دریایی آمریکا علیه ایران مورد بازرسی قرار گرفته است. این نهاد نظامی، همچنین، ادعا کرد تاکنون سه شش‌تایی تجاری،

تغییر مسیر داده، یک شانور را از کار انداخته و یک کشتی دیگر را برای اجرای محاصره دریایی مورد بازرسی قرار داده است.

بیت هگست، وزیر جنگ آمریکا نیز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد ایران کنترل تنگه هرمز را در اختیار ندارد. او هم‌زمان تصویری از سقوط برج مراقبت دریایی بندر جابهار را در حساب کاری خود منتشر کرد. مقام‌های آمریکایی این اقدامات را در چارچوب فشار ازادی‌کشی‌رانی توصیف کرده‌اند. در حالی که ایران پیش از این بارها تأکید کرده است امنیت تنگه هرمز باید با همکاری کشورهای ساحلی منطقه و بدون مداخله نظامی قدرتهای خارجی تأمین شود. هم‌زمان، ادعاهایی نیز از سوی آمریکا درباره بازرسی و توقیف یک نفتکش متبش ایران در دریای عمان مطرح شد که در قالب بیانیه‌های ستکام منتشر شد.

پاسخ متقابل ایران؛ حمله به التنف، بحرین و مراکز نظامی آمریکا در منطقه

در پی حملات آمریکا، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از اجرای چند عملیات علیه مواضع آمریکا در منطقه سیاه پسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که در موج دوم عملیات «نصر» و در پاسخ به کشته شدن نیروهای سپاه آمده است و در این عملیات پی سامانه راداری، چند هدف و چند بالگرد و سه شکاری از نیروهای آمریکایی در منطقه تلف و سوزیده هدف حمله قرار گرفت. در اطلاعاتی دیگر قرار گرفته، سپاه همچنین تاکید کرد کنترل تنگه هرمز همچنان در اختیار نیروهای ایرانی قرار دارد.

ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از جرای مرحله یازدهم عملیات «صاعقه» خبر داد و اعلام کرد محل استقرار بالگرد ها و هواییماهای شناسایی P-8 آمریکا در پایگاه الصخیر بحرین با پهنای اندکی از جرای هدف قرار گرفته است. در بیانیه ارتش تاکید شد این عملیات در پاسخ به هدف قرار گرفتن زیرساخت های شهری ایران انجام شده است. ارتش همچنین از جرای مرحله دوازدهم عملیات «صاعقه» خبر داد و اعلام کرد این شرکت با پهنای اندکی از جرای هدف قرار داده و اعلام کرد برخی مراکز با پهنای اندکی از جرای هدف قرار گرفته اند. هم زمان برخی منابع عراقی از حملات هوایی به سه هواپیمای پرتاب موشک آمریکا در کویت و حمله پهنای به سه سکوی پرتاب موشک آمریکا در اربیل خبر دادند. با این حال، تا زمان تنظیم این گزارش، مقام های رسمی ایران به عراق اخبار را تأیید نکرد بودند. ساعاتی بعد نیز به گزارش هایی از قطع شبکه برق در اربیل و ادامه پرواز چندجنده های آمریکایی بر فراز این منطقه منتشر شد.

در همین حال؛ در عرصه دیپلماتیک نیز تحرکاتی مشاهده می‌شود؛ کمابیش هرزنامه اخبار گزارش داده می‌شود مصر و کشورهای خلیج فارس هم‌زمان با تشدید درگیری‌های ایران و آمریکا، تحرکات هماهنگی را در جهت گسترش جنگ، ممانعت از ورود مستقیم اسرائیل به درگیری و بازگرداندن طرف‌ها به مسیر مذاکرات عنان شده است. قاهره و کشورهای عربی خلیج فارس ضمن هشدار درباره پیامدهای اقتصادی و انرژی جنگ، در حال بررسی سناریوهای اضطراری، تقویت همکاری‌های دفاعی و هماهنگی امنیتی هستند. در همین حال، فشارهای دیپلماتیک و راوشینگری‌های جلودگویی را تبدیل بحران به دورویی گسترده ادامه داد.

جایود قربان اوغلی: تنها راه جلوگیری از تشدید جنگ، احیای تفاهم‌نامه ۱۴ ماده‌ای است

[illegible]

دارد: «از منظر حقوق بین الملل، حمله به تأسیسات و زیرساخت‌های غیرنظامی، مگر در شرایط استثنایی و با ارائه ادله روشن درباره کاربری نظامی آنها، قابل توجیه نیست. وقتی شاهد حمله به بیمارستان‌ها، پل‌ها و سایر زیرساخت‌های عمومی هستیم، باید نگران باشیم قواعد حقوق بشردوستانه در حال نادیده گرفته شدن است.» سفیر پیشین کشورمان در آفریقای جنوبی با تأکید بر اینکه آمریکا از توان نظامی گسترده‌ای برخوردار است، هشدار می‌دهد: «هرگونه تشدید تنش می‌تواند با واکنش‌هایی به‌مربط شدیدی همراه شود.» به گفته او: «در چنین شرایطی باید واقع بین بود و همه سناریوهای ممکن را با هر امنیتی

این کارشناس در ادامه به توافق با یادداشت تفاهمی که به گفته او با مینجیگری برخی کشورهای منطقه حاصل شده بود اشاره می‌کند و آن را «ستادورد مهم دیپلماتیک» می‌خواند. او معتقد است: «بخش عمده مفاد این تفاهم به سود ایران بوده و می‌توانست زمینه‌های گسترش را فراهم کند.» با این حال، سفیر اسبق ایران در الجزایر بر این باور است: «اختلاف بر سر نحوه تفسیر یکی از بندهای این تفاهم، به‌ویژه درباره عبور و مرور کشتی‌ها، موجب بروز بحران جدید شده است.» قربان‌اوغلی به «شرق» می‌گوید: «برداشتی که از این بند ارائه شد، از نگاه بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل و حقوق دریاها با متن تفاهم همخوانی نداشت و همین مسئله زمینه‌ساز روند تازه‌ای از تنش‌ها شد.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل می‌افزاید: «این وضعیت، افکار عمومی منطقه و حتی برخی کشورهای مرا که پیش‌تر برای کاهش تنش مینجیگری کرده بودند، نسبت به ادامه نقش‌آفرینی محتاط‌تر کرده است.» به اعتقاد دیپلمات پیشین کشورمان: «یازگرنی مانند پاکستان، مصر و چین همچنین عمان و عربستان سعودی در مقاطع گذشته برای مهار بحران تلاش کردند، اما اکنون انگیزه آنها برای ورود مجدد به این روند کاهش یافته است.»

مدیر کل اسبق آفریقای وزارت خارجه با اشاره به اهمیت تنگه هرمز تصریح می‌کند: «در شرایط جنگی، ایران مطابق موازین حقوق بین‌الملل حق دارد حملات امنیتی خود را اعمال کند و نسبت به تردد شناورها حساس باشد، اما این موضوع با ارائه تفسیری متفاوت از اصل آزادی کشتیرانی دو قفوله جداگانه شده. باید میان حفظ امنیت ملی و رعایت حقوقه جداگانه باشد. ایران از اصل آزادی کشتیرانی و همچنین برداشتی، او پیشنهاده می‌کند.» توازن با تشکیل یک سازوکار مشترک، امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز را تضمین «کنند.» به گفته قربان‌اوغلی: «صدور یک بیانیه مشترک از سوی دو کشور ساحلی تنگه هرمز، یعنی ایران و عمان می‌تواند به نگرانی‌های کشتیرانی ایران را مدنظر قرار دهد و هم آزادی کشتیرانی را تضمین کند.»

از نگاه مسافری پیشین ایران در آفریقا جنوبی، نخستین از گام‌های خروج از وضعیت فعلی، «برقراری آتش‌بس و سپس احیای همان تفاهت‌پیشین به معنای پرسش‌ها و شکیانی و «فراموشی» است و بر همین اساس او خاطرنشان می‌کند: «اگر بتوان از طریق میانجی‌های قبلی روند اجرای آن تفاهه را سر گرفت، امکان بازگشت به مسیر مذاکرات نیز فراهم خواهد شد. در غیر این صورت، چشم‌انداز روشنی برای گفتا‌فکشی بحران دیده نمی‌شود و به دنبال آن، بیم وقوع هر اتفاقی وجود دارد». قربان‌اوغلی در بخش دیگری از این «کپ‌وگشتش با «شرق» به نقش بازگرای مختلف در تحولات اخیر می‌پردازد و به تعبیر او: «نابید صرفاً به تقابل مستقیم ایران و آمریکا توجه کرده، مسافر اسبق ایران در الجزایر با اشاره به مواضع متفاوت برخی جریان‌ها در داخل آمریکا، بر این باور است: «واشینگتن نیز درباره ایران با گسترش جنگ دیدگاه یکپارچه‌ای ندارد و لازم است ادامه از ظرفیت دیپلماتیک عمومی برای ات‌گذرایی در فضای سیاسی و افکار عمومی آمریکا استفاده کند». او همچنین نسبت به گسترش فضای تقابل در داخل کشور هشدار می‌دهد و تأکید دارد: «در شرایط بحرانی، اختلافات داخلی و حمله به هر صدا‌به که از مذاکره یا کاهش تنش سخن می‌گوید، می‌تواند زمینه‌های بیشتری بر کشور تحمیل کند». امروز بیش از هر زمانه دیگری نیازمند عقلانیت، انسجام داخلی و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک هستیم». این دیپلمات پیشین انسانی و زیرساختی، پیامدهای اقتضای شکنجی نیز برای کشور خواهد داشت و او شرایط را در موارد زیر می‌داند: «به اعتقاد این کارشناس: «نابید اجازه داد روند تحولات به سمتی پیش برود که امکان بازگشت به دیپلماسی از میان نبرود». قربان‌اوغلی در پایان با ابراز نگرانی از آینده بحران متذکر می‌شود: «اگر مسیر کنونی ادامه پیدا کند، خطر گسترش دامنه جنگ و افزایش خسارت‌ها جدی است. تنها راه‌پیشگیری از این وضعیت، بازگشت به دیپلماسی و تقویت تفاهت‌نامه ۱۴۰۴‌ها، استفاده از ظرفیت میانجی‌ها و قوی‌تر عقلانیت در سیاست خارجی و فضای داخلی است».

کوروش احمدی: حمله به پل‌ها و گره‌های مواصلاتی، یک پله بالاتر رفتن از نردبان تشدید تنش است



و درود به مرحله حمله زمینی باشد. باینکه تمرکز واشینگتن تغییر موازنه فشار در تنگه هرمز با هدف بازکردن آن و احتمالاً افزایش نقشار اقتصادی بر ایران با هدف دشوارکردن ادامه جنگ برای تهران باشد. البته دیپلمات سابق کشورمان بر این نکته هم تأکید می‌کند: «حمله به په‌لها و گره‌های مواصلاتی، یک په‌ل بالاتر رفتن تاز نردبان تلاش و ورود جنگ به مرحله‌ای متفاوت و تحولات کیفی است.»